

سبک‌های گوناگون اجرای آثار «شوپن»

در زمان ما بدشواری میتوان تصور کرد بیانستی باشد که اگر دهها قطعه از آثار شوپن را در مجموع آثاری که اجرا میکند نداشته باشد لااقل چند اثر او را در برنامه‌هایش نگنجانند. با اینهمه بسیار اتفاق می‌افتد که هنرمند بسیار مشهوری که در اجرای آثار یکی از آهنگسازان به مرحله تخصص میرسد که سرمشق و نمونه برای دیگران قرار میگیرد، در موقع اجرای آثار شوپن با احتیاط فراوان و محسوس عمل میکند.

در نظر اول چنین مینماید که اگر شخصی تمرین فنی و استعداد متوسطی برای نواختن پیانو داشته باشد با دنبال کردن راه تخیلات طبیعی موسیقی خود میتواند این موسیقی را که بسیار ساده جلوه میکند و محیط آن بسیار متعادل است بخوبی و راحتی اجرا کند. معه‌ذا چه بسیار که غریزه هنری نوازندگان در موقعی که با موسیقی شوپن سروکار پیدا میکنند بخطا می‌رود. باید دید که چرا چنین است؟

چنین بنظر میرسد که نخستین علت این امر درک نادرست و اشتباه آمیز است که از توصیف آثار شوپن و از مفهوم «روباتو» میشود که مفهوم و



معنی آن یکنوع آزادی موزون میباشد که مشخص کردن دقیق آن بسیار دشوار است. اگر این «روباتو» بشکل متعادلی بکار رود و بصورتی معتدل اجرا شود به اجرا کننده آثار شوپن کمک خواهد داد تا روح واقعی و لطف شاعرانه موسیقی او را نشان دهد و منعکس سازد.

دلیل دوم که خیلی عمیق تر میباشد اینست که محتوی موسیقی شوپن بشکلی فوق العاده غنی است و یکنوع خاصیت جهانی و عمومی (اونیورسالیته) در خود دارد که اغلب بعضی از محققان را در برابر این سؤال مردد می - سازد که آیا واقعاً میتوان شوپن را منحصرأ یک آهنگساز رومانٹیک بشمار آورد؟ یا اینکه او در واقع یکی از نمایندگان هنر کلاسیک میباشد؟ (البته در اینجا منظور از کلمه کلاسیک معنی تاریخی آن نمیشود).

واقعیتی که مخصوصاً در این مورد جلب توجه میکند اینست که نبوغ تردیدناپذیر شوپن توانسته است در آثارش یک نوع تعادل عالی و فوق العاده میان عناصر احساسی و ساختمان علمی و فنی «رسمی» بوجود آورد. کمتر هنرمندیست که بتواند هنگام اجرای آثار شوپن این تعادل را بدرستی حفظ کند.

اگر انواع مختلف اجرای آثار شوپن را مورد سنجش قرار دهیم این مسئله اساسی و عمده پیش از هر چیز دیگر مطرح میشود که «آیا برای یک قطعه معین هر چند که قطعات دیگر کمابیش به آن شبیه و نزدیک باشند یک طرز اجرای واحد و «ایده آل» وجود دارد یا نه؟»

یا اینکه «آیا به تعداد هنرمندان واقعی و بزرگ طرز اجرای مختلف هم هست؟»

بدیهیست بدست آوردن پاسخ صحیح برای این سئوالات بسیار دشوار است زیرا باید اسناد و مواد بسیار فراوانی را تجزیه و تحلیل کرد و از میان آنها نمونه هائی برگزید. از طرفی کمتر آهنگسازی وجود دارد که از آثارش باندازه آثار شوپن صفحات مختلف بوسیله نوازندگان مختلف تهیه شده باشد.

در هر حال مطالعه و تحقیق در اجرای مختلف آثار شوپن ما را به این نتیجه میرساند که برای هر قطعه معین از آثار شوپن میتوان چندین نوع اجرای مختلف بوسیله نوازندگان مختلف پیدا کرد که هر یک در سبک خودشان



کامل و «ایدآل» است. این اجراهای مختلف گمایش یکنوع ارتباط طبیعی باموسیقی شوپن دارد که حالات مختلفی را در آثار گوناگونش مانند «بالاد» ها و «پولونز» ها منعکس میسازد.

در مورد موسیقی شوپن سه سبک اساسی را میتوان مشخص ساخت که هر یک برای خود خصوصیات مشخصی دارند. طرز اجرای هنرمندان قدیمی که از نسل گذشته هستند مانند: پادروسکی، میخالووسکی، فریدمان بوسیله حرکات آرام مشخص میگردد. البته این حرکت آرام با جنبه فنی نواختن پیانو ارتباطی ندارد. در این سبک قدرت و عظمت اصوات پر و کامل جلوه میکند. «پدال» های پیانو زیاد مورد استفاده قرار میگیرد و در وزن های موسیقی آزادی فراوان بچشم میخورد.

این دسته از هنرمندان زیاد به جزئیات اثر اهمیت نمیدهند و خود را در ریزه کاریها «سردرگم» نمیکنند بلکه گاهی اوقات حدود بعضی چیزهای کوچک را بایک جمله بزرگ محو میسازند و باین ترتیب عامل احساساتی را مقدم می شمارند و رویهمرفته یک بنای پرشکوه و زیبا بوجود می آورند. اینها همه خصوصیات موسیقی رومانیتیک است.

بعضی پیانیست های دیگر بیشتر بخاطر حرکات سریع صداها و نیرومند و در عین حال روشن و «متمرکز» و باین جزئیات دقیق و کوچکترین ریزه کاریها و با استعمال کم و ملایم پدالها شنونده را تحت تأثیر قرار میدهند.

این دسته بجای بوجود آوردن حالات عظیم و انعکاس نیرومندی حالات بیشتر به جنبه هنر نوازندگی توجه دارند و بیشتر میکوشند جنبه چندصدائی را که بامهارت و ملاحظه کاری در موسیقی شوپن بکار رفته است نمایان سازند، چنین بنظر میرسد که مشخص ترین نماینده این سبک اجرای آثار شوپن امروز «هوروویتز» میباشد.

بعضی نوازندگان بزرگ دیگر آثار شوپن مانند «گیللس» یا «ایتوربی» یک روش هنری و مشخص دیگر دارند.

خصوصیت اصلی سبک اجرای این هنرمندان ملایمت بسیار زیاد است و در سبک آنها یک نوع واقع بینی نسبت به قطعه اجرا شده بنظر میرسد.

این نوازندگان تخیلات خود را در نواختن موسیقی شوپن راه نمی دهند و پدال های پیانو را خیلی کم و بندرت بکار میبرند و در عین حال که وزن



و در تمام هر قطعه را با کمال تواضع می پذیرند میکوشند که هر چه کمتر از آن منحرف شوند .

بظهور خلاصه می توان این سه سبک مختلف نواختن آثار شوپن را به-
قرار زیر توصیف کرد : رومانٹیک ، «ویرتوئوز» ی ، کلاسیک .
اما باید در نظر داشت که هر یک از این سه سبک اگر بدرستی اجرا
شود بطور کلی با روح موسیقی شوپن سازش دارد بخصوص سبکهای اول
و سوم .

بدیهیست سبکهای دیگر نیز در نواختن آثار شوپن هست که خصوصیات
دوتا از سبک های فوق الذکر یا هر سه را در خود جمع دارد .
طبیعی است که این ملاحظات جنبه بسیار کلی دارد معینا از همین
مطالب مختصر میتوان فهمید که موضوع سبکهای مختلف نواختن آثار شوپن
چه مسائل دشوار و چه افقهای وسیع و پهنای را در برابر محققان قرار
میدهد .

